

کودک‌آزاری برخط و اقدام‌های پیشگیرانه و حمایتی

فاطمه آزاد سروستانی^۱

زهرا آزاد سروستانی^۲

چکیده

امروزه تأثیر فضای مجازی بر زندگی اشخاص به خصوص اطفال و نوجوانان غیرقابل چشم‌پوشی است. با توجه به اینکه امروزه اطفال و نوجوانان اوقات زیادی از زندگی خود را در فضای مجازی می‌گذارند، بررسی سلامت روان و پیشگیری از آزار و سوءجنسی از اطفال و نوجوانان در فضای مجازی است، مورد اهمیت است. پژوهش حاضر با تمسک به روش توصیفی-تحلیلی درصدد مطالعه کودک‌آزاری در فضای مجازی و اقدام‌های پیشگیرانه و حمایتی از اطفال و نوجوانان و همچنین مسئولیت حقوقی فرد آزار است تا با ارائه راهکارهایی بتوان به حمایت از حقوق آن‌ها پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استفاده اطفال و نوجوانان از فضای مجازی مانند اینستاگرام، تلگرام و واتساپ می‌تواند موجب آزار و سوءاستفاده جنسی آن‌ها گردد. فرد آزارگر در مقابل بزه‌دیده مسئولیت کیفری و مدنی دارد. تشدید مجازات مقرر در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، الزام به صدور حکم مجازات تکمیلی، محرومیت از برخی حقوق اجتماعی، انتشار حکم محکومیت، همکاری سازمان بهزیستی با دانشکده‌های روان‌شناسی به منظور ارائه خدمات تخصصی و مستمر، برگزاری کارگاه‌های کاربردی برای اطفال و نوجوانان و والدین و حضور قضات زن در شعب رسیدگی به جرم کودک‌آزاری از جمله اقدام‌های پیشگیرانه و حمایتی است و می‌تواند از آزار و سوءاستفاده جنسی آن‌ها جلوگیری کند.

کلیدواژه‌ها

اطفال و نوجوانان، کودک‌آزاری، فضای مجازی، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری.

۱- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

azadsarvestane.f@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارسنجان، ایران

z.azad9724@gmail.com

مقدمه

کودک‌آزاری منحصر به زمان حال نیست. اخیراً پدیده کودک‌آزاری مورد توجه زیادی قرار گرفته و رسانه‌های جمعی در این خصوص اطلاع‌رسانی می‌کنند. امروزه علاوه بر متخصصان، مردم عادی نیز از جزئیات کودک‌آزاری اطلاع دارند و با قربانیان هم‌دردی می‌کنند (مهرا، ۱۳۸۹، ص. ۲۵۲). کودک‌آزاری از دو واژه «child» و «abuse» تشکیل شده است. از دید قوانین بین‌المللی مانند پیمان‌نامه حقوق کودک، به فرد کمتر از ۱۸ سال کودک گفته می‌شود و در فقه، منظور فردی است که به بلوغ شرعی نرسیده است. از منظر بیشتر فقها، سن بلوغ برای دختران ۹ سالگی و برای پسران ۱۵ سالگی است (شمشیری، ۱۳۹۹، ص. ۲۳). در ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، طفل به هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است و نوجوان نیز به هر فرد زیر ۱۸ سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است، اطلاق می‌شود.

کودک‌آزاری رفتاری است که کودک مورد آزارهای جسمی، جنسی، بی‌توجهی و سوءرفتارهای عاطفی قرار می‌گیرد (خوشایی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۱). رشد فناوری و دسترسی جهانی به اطلاعات و فناوری اطلاعات پیامدهایی داشته است. اطفال و نوجوانان به‌طور خاص با دسترسی به رایانه و فناوری‌های سیار و استفاده از فضای سایبر به‌وسیله این ابزارها سبب جرایم متعدد شده‌اند که تأثیر زیادی بر سلامت و زندگی آن‌ها داشته است. بزه‌های ارتكابی در این حوزه که در قالب جرایم سایبری تحلیل می‌گردند، شکل‌های مختلفی را شامل می‌شود که از جمله هرزه‌نگاری و بزه‌دیدگی جنسی را شامل می‌شود. تحقیق‌ها نشان می‌دهند که یکی از جرایم معمول در فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی، قربانیت جنسی این گروه است و کودکان و نوجوانان به شکل‌های مختلف می‌توانند بزه‌دیده جرایم جنسی واقع شوند. ارسال پیام متنی، صوتی، تصویری در کنار ایجاد حساب‌های کاربری جعلی و سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان با توجه به شرایط سنی خاص و حساس آن‌ها می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین زمینه تحقق بزه‌دیدگی از رهگذر فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی به حساب آید (احمدی‌نژاد و احمدی موسوی، ۱۳۹۹، ص. ۹۸). با

افزایش مشارکت کودکان در فعالیت‌های برخط استفاده از اینترنت بیش از رسانه‌های دیگر برای اجتماعی شدن و برقراری ارتباط مورد استفاده کودکان قرار گرفته است. نداشتن تجربه و آگاهی در رابطه با فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، پدیده سوءاستفاده از کودکان در فضای مجازی را به‌عنوان نگرانی مشترک در جامعه بین‌المللی پدیدار کرده است (جوهری آراسته و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۷).

کودک‌آزاری برخط مشابه آزارهایی است که امکان وقوع در دنیای واقعی دارد. کودک‌آزار ممکن است کودک را از طریق تهدید، اغفال، محبت، زورگویی یا اخاذی بفریبد و به هدف خود مانند متقاعد کردن کودکان برای شرکت در فعالیت جنسی برخط برسد. کودک‌آزار معمولاً کودکان را هدف قرار می‌دهد و سعی می‌کند از فیلم، علایق، بازی، موسیقی و سرگرمی‌های کودکان در گروه‌های سنی مختلف مطلع شود و کودک‌آزار تلاش دارد در تمام ساعات روز یا شب با کودکان یا نوجوانان تماس برقرار کند به‌ویژه زمان‌هایی که والدین در منزل نیستند تا موضوع مشترکی برای صحبت با آن‌ها پیدا کند. کودک‌آزار این کار را از طریق محبت با کودک یا نوجوانان در شبکه‌های مجازی مختلفی که عضو هستند، انجام می‌دهد یا از طریق پست‌های کودک و نوجوان، پیام ارسال کرده یا اظهارنظر می‌کند تا اطلاعات بیشتری از کودک بیابد. از آنجاکه ممکن است کودک یا نوجوان نسبت به رابطه جنسی کنجکاو باشد، تلاش می‌کند در گفتگوی خود با کودک از محتواهای جنسی صحبت کند یا برای او پورنوگرافی کودک را به اشتراک بگذارد. کودکان در معرض خطر آزار برخط، از طرف افراد آشنا و غریبه هستند و شخص آزارگر بیشتر توسط اعضای خانواده و افراد دیگری که قربانی آن‌ها را می‌شناسد، هستند و کمتر کاربران ناشناس اینترنت می‌باشند. به‌همین دلیل کودک یا نوجوان فکر می‌کند که هیچ راهی برای فرار از آزار وجود ندارد و به والدین خود گزارش نمی‌دهد. همه کودکان یا نوجوانان در معرض آزارهای برخط قرار دارند، اما کودک یا نوجوان با خواهر و برادر بیمار، کودک یا نوجوان با خانواده‌های دچار بحران، خانواده‌های تک‌سرپرست، یا کودکان و نوجوانان با اعتمادبه‌نفس پایین و کسانی که مورد توجه

والدین خود نیستند، بیشتر در معرض این خطر می‌باشند. آزار برخط انواعی مختلفی مانند زورگویی برخط، اغفال برخط و آزار جنسی برخط است (کشت‌پرور، بی‌تا).

اگرچه تحقیق‌هایی در مورد کودک‌آزاری نگاشته شده است اما تحقیقی با شیوه این کار پژوهشی انجام نشده است. از جمله تحقیق‌های مرتبط با این موضوع عبارت است از: در پژوهش جواهری آراسته و حسینی اکبرنژاد (۱۳۹۹) که به بررسی حمایت کیفری از کودکان در مقابل سوءاستفاده در فضای مجازی در قوانین ایران و انگلیس و اسناد بین‌المللی پرداختند، نشان داده شد نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی حیاتی است تا از کودکان مقابل سوءاستفاده‌های برخط حمایت کنند و جرم‌انگاری سوءاستفاده برخط از کودکان از اقدام‌های پیشگیرانه است. در پژوهش احمدی‌نژاد و احمدی موسوی (۱۳۹۹) نشان داده شد اصلی‌ترین بزه‌هایی که کودکان و نوجوانان را در فضای مجازی هدف قرار می‌دهد عبارت‌اند از: هرزه‌نگاری، آزار و اذیت اینترنتی، توریسیم جنسی و تقاضای جنسی است. بهترین شیوه کاهش بزه‌دیدگی کودکان در فضای مجازی، پیشگیری وضعی از وقوع این جرایم در فضای سایبری می‌باشد و باید فرصت ارتکاب جرم از مجرم گرفته شود و آنچه در این زمینه باید به‌کارگرفته شود افزایش آگاهی‌های عمومی به‌خصوص والدین در مورد شناسایی فضای مجازی و آموزش نیروهای تعقیب و پلیس به‌صورت سازمان‌یافته و تخصصی و همچنین اعمال شیوه‌های نظارتی از سوی نهادهای مسئول است. در پژوهش مهرا (۱۳۸۹) بیان شد که قوانین کیفری ایران تعریف جامعی از کودک‌آزاری بیان نکرده و از این‌رو حمایت کیفری مناسبی به‌عمل نیامده است. تقبیح اجتماعی کودک‌آزاری در حقوق کیفری مستلزم ارائه تعریف دقیق جامعه‌شناختی - جرم‌شناختی از این پدیده در جامعه ایران است تا ضمن مشخص شدن تکلیف والدین، مربیان و آموزگاران در نگهداری و تربیت اطفال و دانش‌آموزان، کرامت انسانی کودکان نیز در مقابل سوءاستفاده از آنان حفظ شود.

با توجه به رشد فناوری، امکان به‌خطر افتادن سلامت اطفال و نوجوانان و آزار و سوءاستفاده از آنان در فضای مجازی وجود دارد و با راهکارهایی مناسب می‌توان به حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخت؛ لذا بررسی کودک‌آزاری برخط به‌ویژه

کودک‌آزاری جنسی و راهکارهای پیشگیری از آن و همچنین مسئولیت حقوقی فرد آزارگر ضروری بوده و در قسمت اول پژوهش حاضر، کودک‌آزاری و انواع آن و در قسمت دوم مسئولیت مدنی و کیفری فرد آزارگر و در قسمت سوم نیز راهکاری پیشگیری از کودک‌آزاری مطالعه می‌شود.

۱- کودک‌آزاری و انواع آن

کودک‌آزاری در قوانین کیفری ایران شامل هرگونه بدرفتاری با اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال می‌باشد. به موجب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، رفتارهایی از قبیل جلوگیری کردن از تحصیل طفل، ضرب و جرح و سوءاستفاده جنسی از او ممکن است کودک‌آزاری محسوب شود. هرگونه وضعیت زیانبار از قبیل فقر شدید و آوارگی نیز می‌تواند به عنوان کودک‌آزاری به‌شمار می‌آید. آنچه در حقوق کیفری ایران به‌عنوان تعریف جرم کودک‌آزاری در فضای مجازی شناخته می‌شود، موضوع ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است. به موجب این ماده برقراری هر نوع ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به‌منظور آزار جنسی یا ارتباط جنسی، جرم کودک‌آزاری در فضای مجازی تلقی می‌شود. آزار جنسی ممکن است به‌صورت لمسی و تماسی و یا به‌صورت غیرلمسی مانند عورت‌نمایی انجام گیرد (توکلی، ۱۴۰۱).

به نظر می‌رسد بهتر است کودک‌آزاری را از منظر اینکه کودک‌آزاری در فضای مجازی یا خارج از فضای و در دنیای واقعی اتفاق افتاده، مورد بحث و تحلیل قرار داد.

۱-۱- کودک‌آزاری خارج از فضای مجازی

کودک‌آزاری عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعل از جانب سایر افراد به‌ویژه بزرگسالان اعم از والدین و غیروالدین که باعث آزار روحی و جسمی و ایجاد آثار ماندگار در وجود فرد می‌شود. بعضی از این آثار می‌تواند مخفی باشد، مانند ممانعت از حاضر شدن در کلاس، محروم کردن از غذا، حبس در حمام یا زیرزمین، تحقیر بین همسالانش و عدم توجه به نیازهای ضروری که این‌ها شکلی از آثار مخفی کودک‌آزاری است. کودک‌آزاری به طبقه خاصی مربوط نیست و فقر فرهنگی نیز مانند فقر اقتصادی

می‌تواند از دلایل کودک‌آزاری باشد و به‌همین دلیل کودک‌آزاری در قشر افراد تحصیل‌کرده که اقتصادی خوبی نیز دارند، دیده می‌شود (کاویانی‌فر، ۱۳۸۹، ص. ۱۶).

هرگونه آسیب جسمی یا روانی، سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی کودکان توسط اشخاص دیگر، کودک‌آزاری اطلاق می‌شود. کودک‌آزاری در دو سطح عملی و نظری بررسی می‌شود که در سطح نظری «کودک‌آزاری عبارت است از هرگونه رفتاری که به تمامیت جسمانی، روانی، رشد فردی و اجتماعی و یا شأن انسانی کودک لطمه‌ای وارد آورد» (ایروانیا، ۱۳۹۵، به نقل از سیدی بنایی و ولی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۲). از جمله مصادیق کودک‌آزاری عبارت است از: **کودک‌آزاری جسمی**: به معنای حمله فیزیکی به کودک به‌گونه‌ای که سبب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوان و سایر جراحات و حتی مرگ کودک شود. شکل‌های مختلف کودک‌آزاری جسمی شامل شلاق زدن، بستن کودک، کوبیدن به دیوار، سوزاندن با آب جوش یا مایعات داغ و تکان دادن شدید می‌باشد. البته در کودک‌آزاری جسمی برخی خشونت‌های خانوادگی طبیعی قلمداد می‌گردد و برخی عقیده دارند در کودک‌آزاری جسمی باید معیارهای پذیرفته شده اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. در این صورت اگر مقبولیت‌های اجتماعی، ملاک تفکیک آزار یا عدم آزار محسوب شود، باید تعریفی نسبی و بومی از کودک‌آزاری ارائه شود.

کودک‌آزاری جنسی: درگیر کردن کودک در فعالیت‌هایی است که سبب ارضای جنسی افراد بزرگسال می‌شود. مرکز ملی کودک‌آزاری، استفاده جنسی را تماس یا تعامل‌های بین کودک و فرد بالغی می‌داند که کودک را به‌منظور تحریک جنسی مورد استفاده قرار داده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، صص. ۸-۹). به عبارتی سوءاستفاده جنسی از کودکان، به‌صورت درگیر کردن کودک در فعالیت‌های جنسی درحالی‌که کودک نمی‌تواند آن‌ها را درک کند و از نظر رشد و تکامل جنسی برای آن آمادگی ندارد و به این کار راضی نیست. مصادیق کودک‌آزاری جنسی شامل لواط، زنا، تقبیل و قوادی می‌باشد (شمشیری، ۱۳۹۹، ص. ۲۴). **کودک‌آزاری عاطفی**: به معنای هرگونه رفتار نامناسبی که بر عملکرد رفتاری، شناختی، عاطفی و جسمی کودک تأثیر منفی بگذارد. آزارهای کلامی و غیرکلامی، سرزنش یا تحقیر، ناسزا گفتن، مسخره کردن، دست‌انداختن، ترساندن مکرر

کودک از تنبیه بدنی، کنترل غیرمعقول او، برخوردهای نامناسب با سن کودک، استفاده از کودک برای ارضای نیازهای عاطفی خود و پاسخ‌های رفتاری غیرقابل پیش‌بینی والدین که سبب بی‌ثباتی و دگرگون‌شناختی کودک شود، از این مصادیق است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۹). **کودک‌آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی:** بی‌توجهی و کوتاهی در فراهم کردن لوازم رشد در تمام حوزه‌های سلامتی، آموزشی، رشد عاطفی، تغذیه، مسکن و شرایط زندگی امن در حیطه منابعی که در اختیار والدین قرار دارد و سبب آسیب به سلامتی یا رشد جسمی، روحی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودک می‌گردد و همچنین قصور در نگهداری و مواظبت کامل و حمایت از کودکان در برابر آسیب‌ها تا جایی که امکان‌پذیر است، کودک‌آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی محسوب می‌گردد. برعکس سایر مصادیق کودک‌آزاری که از لحاظ نظری، امکان ارتکاب آن‌ها از سوی سایر اشخاصی غیر از والدین نیز متصور بود این‌گونه کودک‌آزاری فقط توسط والدین و سایر سرپرستان قانونی قابل ارتکاب است، چون قصور در نگهداری کودک و تأمین نیازهای او تنها تحت شرایطی امکان‌پذیر است که اشخاص مرتکب، مسئولیت نگهداری و یا تأمین نیازهای طفل را بر عهده داشته باشند (ایروانیان و دیگران، ۱۳۸۹، به نقل از حیدری برج، ۱۳۹۱، صص ۲۳-۲۴).

۱-۲- کودک‌آزاری در فضای مجازی

سوءاستفاده جنسی از کودکان دامنه وسیعی از رفتارهایی را دربرمی‌گیرد که در آن شخص بزرگسال، کودک را هدف فعالیت‌های جنسی خود قرار داده و از آن کسب لذت می‌کند. استفاده جنسی به انواع تماسی و غیرتماسی تقسیم می‌شود که انواع غیرتماسی آن شامل عورت‌نمایی، پورنوگرافی، استفاده از الفاظ تحریک‌کننده و لذت بردن از انواع واکنش‌های کودک است. استفاده جنسی از کودک مخصوص یک طبقه اجتماعی اقتصادی خاص نیست و در همه طبقات وجود دارد و دارای تأثیرهای بسیار مخرب بر رشد روانی اجتماعی کودکان می‌باشد. علاوه بر آثار منفی و از بین بردن کودکی و خارج کردن او از مسیر طبیعی رشد، این پدیده هزینه‌های بسیاری را به دولت‌ها تحمیل می‌کند چون کودکان سرمایه‌های انسانی کشورها هستند. علاوه بر کاهش کارکرد و عملکرد

آن‌ها در اثر این آسیب احتمال انواع اختلال‌ها و بیماری‌های جسمی و روانی برای کودکان وجود دارد. یکی از راه‌هایی که ممکن است کودکان را راحت‌تر در دسترس سوءاستفاده‌کنندگان جنسی قرار دهد، اینترنت می‌باشد. آزار جنسی فقط در فضای واقعی اتفاق نمی‌افتد و فضای مجازی نیز محل مناسبی برای وقوع این اتفاق می‌باشد. تعداد زیادی از کودکان با وجود آنکه از اینترنت به‌صورت روزانه استفاده می‌کنند، اما هنوز در مورد خطرهای کاربری‌های غیرمجاز آموزش لازم را ندیده‌اند. پژوهش‌هایی در این زمینه نشان داده است که ۲۰ درصد افرادی که به‌صورت منظم با اینترنت در تماس هستند، موضوع‌های جنسی ناخواسته را دریافت می‌کنند که این مسئله بیشتر کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله را تهدید می‌کند. بیشترین سوءاستفاده جنسی از کودک در اینترنت شامل اجبار کودک به بیان کلمات جنسی و شرم‌آور، وادار کردن کودک به تماشای فردی که در حال عمل جنسی است. نظرهای جنسی در مورد کودک در چت‌روم، پیشنهادهای جنسی، ارسال عکس‌های نامناسب برای کودک و تهدید و ارباب کودک برای وادار کردن به رفتارهای جنسی است. بیشتر کودکانی که قربانی تعرض جنسی هستند، هیچ‌گونه اطلاعی در مورد سوءاستفاده جنسی و نحوه مقابله با آن را ندارند. آن‌ها در طولانی مدت مورد آزار قرار می‌گیرند و تخمین زده می‌شود ۶۰ تا ۸۰ درصد آن‌ها هیچ وقت در این مورد با کسی سخن نگفته و خدمات تخصصی هم دریافت نمی‌کند. این کودکان بیشتر احساس شرم و گناه کرده و خود را در این جریان مقصر می‌دانند و همین موضوع باعث شده که آزار و تعرض جنسی خود را گزارش ندهند. بروز اختلال‌های اضطرابی، افسردگی، اختلال در خوردن، انزوا و مشکلات ارتباطی در این کودکان بسیار شایع است. بیشتر کودکانی که به‌نوعی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند در بلندمدت با افت عملکرد مواجه می‌شوند. مطالعه در مرکز حمایت از کودکان در مقابل سوءاستفاده جنسی در آمریکا نشان داده است اکثر کودکانی که مورد تعرض قرار گرفته‌اند علائمی مثل عزت‌نفس پایین، برانگیختگی هیجانی، کابوس، اختلال خواب، افسردگی، سرکوب خشم و خصومت، پیشگیری از فعالیت‌ها و مشکلات آموزشی، رویاپردازی، از دست دادن حافظه و ناتوانی در تمرکز، شکای‌های روان‌تنی از خود نشان داده‌اند (رک: میراشرفی، ۱۳۹۵).

یکی از مصادیق سوءاستفاده جنسی برخط از کودک به‌صورت مستقیم است. برای سوءاستفاده جنسی برخط، کودک و آزار می‌شود که اعمالی مثل ارسال عکس‌های برهنه یا جنسی از خود، برقراری رابطه شنیداری و دیداری جنسی از طریق وبکم یا گوشی‌های هوشمند، گفتگوی جنسی از طریق ارسال پیام و غیره را انجام دهد. شکل دیگر سوءاستفاده جنسی برخط از کودک به صورت غیرمستقیم می‌باشد. کودک در مواردی به‌صورت غیرمستقیم مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا فیلم یا تصویر او با اهداف جنسی بر روی صفحه‌های اینترنت در دسترس همه قرار می‌گیرد و این مسئله امروزه به‌عنوان هرزه‌نگاری کودکان مطرح می‌شود و طریق دیگری از سوءاستفاده و استثمار جنسی از کودک در فضای مجازی می‌باشد (رک: جواهری آراسته و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۹، صص. ۱۱۰-۱۱۱).

مصادیق آزار برخط عبارت است از: زورگویی برخط، اغفال برخط و آزار جنسی برخط. **زورگویی برخط:** نوع رایج از آزارهای برخط، رفتارهای زورگویانه است که در شبکه‌های اجتماعی، بازی‌ها و گوشی‌های تلفن همراه رخ می‌دهد و مصادیقی مانند شایعه‌پراکنی درباره کسی یا ارسال پیام‌ها، تصاویر و ویدیوهای جنسی می‌باشند. ممکن است کودکان بدانند چه کسی آن‌ها را در فضای مجازی تهدید می‌کند، مثل ادامه زورگویی‌هایی که از همسالان در دنیای واقعی باشد و یا ممکن است توسط کسی هدف این کار قرار گرفته باشند که از کاربری شناس یا جعلی استفاده می‌کنند. چون در فضای برخط ناشناس بودن کار راحتی است، این موضوع احتمال رفتارهای زورگویانه را افزایش می‌دهد. مصادیق زورگویی برخط شامل ارسال پیام‌های تهدیدآمیز یا توهین‌آمیز، تهدید و پخش تصاویر و ویدیوهای جنسی، حذف کودکان از بازی‌ها و فعالیت‌های برخط یا گروه‌های دوستی، ایجاد تارنما یا گروه‌هایی برای ابراز تنفر از یک کودک خاص، تشویق نوجوانان به آسیب زدن به خود، رأی دادن به نفع یا بر علیه شخصی در نظرسنجی تهدیدآمیز، ایجاد کاربری‌های جعلی یا هک کردن و دزدیدن هویت برخط برای تحقیر نوجوانان یا با نام او، تحت فشار قرار دادن کودکان برای ارسال تصاویر جنسی و وارد شدن در گفتگوی جنسی. **اغفال برخط:** زمانی است که شخص با کودکی برای جلب اعتماد او و با هدف آزار جنسی یا قاچاق کودک رابطه عاطفی برقرار می‌کند. اغفال

کودکان ممکن است از طریق برخط یا رودررو توسط غریبه یا آشناها صورت بگیرد. بسیاری از کودکان و نوجوانان متوجه نمی‌شوند که اغفال شده‌اند یا حرکتی که انجام شده آزار است. اغفال‌کنندگان می‌توانند از تارنماهای اجتماعی، برنامه‌های چت برای آشنایی نوجوانان با هم یا سیستم بازی‌های برخط برای ارتباط با کودک یا نوجوان استفاده کنند. آن‌ها می‌توانند از طریق پروفایل برخط نوجوان از علایق او خبردار شده و بعد هم این اطلاعات را برای برقراری ارتباط با او به کار ببرند. آزارهای جنسی: در زمان وقوع آزار جنسی برخط، نوجوانان وادار به انجام یکی از این اعمال می‌شوند: ارسال عکس‌های جنسی آشکار از خود و به اشتراک گذاشتن تصاویر یا فیلم‌های جنسی برهنه یا نیمه‌برهنه از خود و دیگران، شرکت در اعمال جنسی از طریق وب‌کم یا گوشی‌های هوشمند، گفتگوی جنسی از طریق ارسال پیام یا برخط. ازجمله دلایلی که نوجوانان به درخواست‌های جنسی کودک آزار جنسی پاسخ می‌دهند، می‌تواند یکی از این دلایل باشد: بالا بردن عزت نفس خودشان، پیوستن به بقیه چون فکر می‌کند این کاری است که همه انجام می‌دهند، کشف احساسات جنسی خود، جلب توجه و ارتباط گرفتن با افراد جدید در شبکه‌های اجتماعی، نه گفتن برای آن‌ها سخت است و یا لاس‌زدن با بقیه و آزمودن هویت جنسی خود (کشت‌پرور، بی‌تا).

۲- مسئولیت حقوقی فرد آزارگر فضای مجازی

به‌منظور حمایت قاطع از حقوق اطفال و نوجوانان پرداختن به بحث مسئولیت مدنی و کیفری شخصی که مرتکب کودک‌آزاری می‌گردد و همچنین بررسی مجازات مقرر در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ امری ضروری است که مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲-۱- مجازات فرد آزارگر

برحسب اینکه فرد مرتکب کدام‌یک از انواع کودک‌آزاری شده است، مجازات او فرق می‌کند. برقراری ارتباط با طفل در فضای مجازی به‌منظور آزار جنسی او، موجب یکی از مجازات‌های تعزیری درجه ۶ است. به‌موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی،

مجازات‌های تعزیری درجه ۶ عبارت است از: ۶ ماه تا ۲ سال حبس، ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و جزای نقدی از ۲ میلیون تا ۸ میلیون تومان. در دسترس قرار دادن محتوا و آثار سمعی و بصری مبتذل برای اطفال و نوجوانان، موجب محکومیت به یکی از مجازات‌های تعزیری درجه ۸ است. به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های تعزیری درجه ۸ شامل حبس تا ۳ ماه، جزای نقدی تا ۱ میلیون تومان و شلاق تا ۱۰ ضربه می‌باشد. اگر کسی مرتکب آزار جنسی تماسی بر علیه کودک یا نوجوان شود، به ۲ تا ۵ سال حبس تعزیری درجه ۵ محکوم می‌شود. اگر آزار جنسی طفل یا نوجوان غیرتماسی باشد، مرتکب به بیش از ۳ ماه تا ۶ ماه حبس تعزیری درجه ۷ محکوم می‌شود. طبق ماده ۲۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، رسیدگی به جرم کودک‌آزاری حسب مورد در شعبی خاص از دادسرا یا دادگاه‌های خانواده به عمل می‌آید. شعب مزبور به پیشنهاد دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضاییه به منظور رسیدگی به جرایم کودک‌آزاری اختصاص یافته است. رسیدگی به وضعیت مخاطره‌آمیز طفل یا نوجوان در دادگاه خانواده و بر اساس گزارش مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری به عمل می‌آید. در دادگاه کیفری که به کودک‌آزاری رسیدگی می‌کند اولیا و سرپرستان قانونی طفل و نوجوان وکیل طفل و همچنین یک نفر مددکار اجتماعی، حق حضور در جلسه را دارند. علاوه بر این در مقام رسیدگی به جرم کودک‌آزاری، دادگاه می‌تواند از نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد که طبق قانون آیین دادرسی کیفری حق حضور در جلسه‌های رسیدگی را دارند، برای حضور در جلسه‌ها دعوت کند. علاوه بر موارد قانونی برای شروع به تحقیق و تعقیب جرایم در قانون آیین دادرسی کیفری، به موجب ماده ۳۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان موارد زیر نیز از موجبات رسیدگی کیفری در مورد جرایم کودک‌آزاری به‌شمار می‌آید که شامل تقاضای کودک یا نوجوان و گزارش‌های مکتوب و شفاهی که هویت اعلام‌کننده آن‌ها معلوم نیست به شرط اینکه مبتنی بر دلایل و قرائن معقول باشد. همان‌طور که اشاره شد رسیدگی به جرم کودک‌آزاری در دادگاه کیفری، که به امور خانوادگی اختصاص داشته باشد صورت می‌پذیرد (توکلی، ۱۴۰۰).

ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تصریح دارد: «هرکس نسبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار یا سوءاستفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد با در نظر گرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه‌دیده، شرایط مرتکب و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

۱- آزار جنسی تماسی توسط محارم یا با عنف به مجازات حبس درجه پنجم قانون مجازات اسلامی؛

۲- سایر آزارهای جنسی تماسی به مجازات حبس درجه ۶ قانون مجازات اسلامی؛

۳- آزار جنسی غیرتماسی توسط محارم یا با عنف به یکی از مجازات‌های درجه ۷ قانون مجازات اسلامی؛

۴- سایر آزارهای جنسی غیرتماسی به یکی از مجازات‌های درجه ۸ قانون مجازات اسلامی؛

۵- بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر کردن برای هرزه‌نگاری یا سوءاستفاده جنسی به مجازات حبس درجه ۵ قانون مجازات اسلامی؛

۶- در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان به یک یا چند مجازات درجه ۸ قانون مجازات اسلامی؛

۷- استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط؛

۸- واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آنها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آنها به یکی از مجازات‌های درجه ۶ قانون مجازات اسلامی؛

۹- برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه ۶ قانون مجازات اسلامی».

به‌نظر می‌رسد حمایت قانون‌گذار از اطفال و نوجوانان در قانون اصلاحی به‌ویژه جرم‌انگاری کودک‌آزاری جنسی اطفال و نوجوانان در فضای مجازی با توجه به شیوع این موضوع و گسترش فناوری و استفاده کودکان از فضای مجازی، امری ضروری بود که در قانون قبلی بیان نشده بود. مطابق ماده، سوءاستفاده و آزار جنسی اطفال و نوجوانان هم در فضای مجازی براساس بند ۹ جرم‌انگاری گردیده و هم خارج از فضای مجازی و دنیای واقعی که مصادیق آن در ماده تصریح شده است و سوءاستفاده و آزار جنسی ممکن است از طریق لمسی یا غیرلمسی واقع شود. در عالم واقعی، آزار جنسی به‌صورت لمسی و غیرلمسی دیده می‌شود و ازجمله مصادیق آزار و سوءاستفاده به شیوه لمسی لواط و زنا است. مصادیق آزار و سوءاستفاده جنسی در فضای مجازی به‌صورت غیرلمسی دیده می‌شود. بندهای ۶ تا ۹ قانون مذکور به جرایم (جرایم رایانه‌ای) علیه عفت و اخلاق عمومی که بزه‌دیده آن اطفال و نوجوانان هستند، اشاره دارد. همچنین در خصوص ماده ۹ قانون مذکور و تبصره آن، چند نکته قابل توجه است. همان‌طور که بیان شد با توجه به اینکه قانون جدید حمایت ویژه‌ای از اطفال و نوجوانان نسبت به قانون مصوب ۱۳۸۱ داشته است و سهل‌انگاری و حتی بی‌توجهی نسبت به طفل و نوجوان نیز جرم‌انگاری شده و این موضوع سبب حفظ حقوق آن‌ها می‌گردد، اما به‌نظر می‌رسد در مورد این ماده و ماده فوق باید بیان کرد: با توجه به اینکه کودکان آسیب‌پذیرترند و نیاز به حمایت ویژه‌ای نسبت به بزرگسالان دارند به‌ویژه اگر ممکن باشد سلامت آن‌ها از طریق فضای مجازی به مخاطره افتد، نیاز است قانون‌گذار مجازات را تشدید نماید که مجازات سنگین می‌تواند از عوامل پیشگیری بزه کودک‌آزاری باشد و حتی الزامی شدن تصریح به حکم به مجازات تکمیلی درخصوص افرادی که سلامت اطفال و نوجوانان را به‌خطر می‌اندازند مهم است و حتی انتشار حکم محکومیت افراد به‌ویژه کسانی که در فضای مجازی مرتکب کودک‌آزاری شده‌اند، می‌تواند جنبه اربابی و پیشگیرانه داشته و افراد جامعه که از مجرمانه این عمل مطلع نیستند، آگاه گردند. این موارد در خصوص مجازات‌های مقرر در ماده ۱۰ نیز باید اعمال گردد.

با توجه به اینکه طفل یا نوجوان بیشتر ساعات خود را در خانواده می‌گذرانند و از همان کودکی آموزش‌های اولیه را در خانواده می‌بیند، نقش والدین در تربیت و آموزش فرزندان نسبت به سایرین که طفل یا نوجوان ممکن است با آن‌ها در تماس باشد، بیشتر است؛ لذا با توجه به نقش آموزشی و نظارتی که والدین در مورد آگاهی‌بخشی فرزندان به مسائل مختلف به‌خصوص استفاده صحیح از فضای مجازی دارند، پس اگر مرتکب سهل‌انگاری و تقصیر به‌صورت شدید و مستمر شوند در راستای نقش حضانت و ولایتی که بر فرزند دارند تصریح قانون‌گذار به حداقل مجازات مقرر در ماده قابل انتقاد به‌نظر می‌رسد، زیرا همان‌طور که بیان شد هرچه مجازات شدیدتر باشد می‌تواند سبب نظارت و حمایت بیشتر کسانی که مسئول نگهداری و مراقبت طفل و نوجوان هستند، از جمله والدین، اولیاء و سرپرستان که می‌توانند با تقصیر خود موجب آسیب بر اطفال و نوجوانان شوند. حتی به‌منظور حمایت بیشتر از کرامت اطفال و نوجوانان و حقوق آنان اعمال برخی محرومیت‌های اجتماعی ضروری است.

۲-۲- مسئولیت مدنی فرد آزارگر

مسئولیت مدنی به‌معنای خاص یعنی تکلیف شخص به جبران زیانی که بر اثر عمل نامشروع به دیگری وارد شده است. ارکان مسئولیت مدنی عبارت است از ضرری که به خواهان وارد شده است. تقصیر واردکننده زیان رابطه سببیت است یعنی باید ثابت شود که زیان وارد شده به خواهان ناشی از تقصیر یا در موارد استثنایی فعل زیان‌آور خوانده بوده است و باید بین خسارت وارده و تقصیر و فعل زیان‌آور، رابطه سببیت یا علیت وجود داشته باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، صص. ۹۱-۹۶).

مبانی نظریه مسئولیت مدنی عبارت است از: ۱- نظریه تقصیر: یعنی بر اساس این نظریه شخصی را باید مسئول جبران خسارت دانست که مرتکب تقصیر شده باشد. در مورد مفهوم تقصیر با دو نظریه مواجه هستیم: الف) نظریه تقصیر شخصی: در این نظریه تقصیر به مفهوم رفتاری قابل سرزنش است. به عبارت دیگر با توجه به وضعیت خاصی که شخص در آن قرار دارد، باید دید عمل قابل سرزنش هست یا خیر. در این

مفهوم تقصیر دارای وصف شخصی است. ب) تقصیر نوعی: به مفهوم تجاوز از رفتار انسان متعارف و معقول است. به عبارت دیگر رفتار شخص را با رفتار انسانی متعارف می‌سنجیم. در این مفهوم تقصیر دارای وصف نوعی می‌باشد. ۲- نظریه خطر: به موجب این نظریه هرکس به فعالیتی بپردازد و محیط و شرایط خطرناکی برای دیگران به وجود بیاورد باید زیان‌های ناشی از آن را جبران کند، چه مرتکب به تقصیر شده باشد یا نشده باشد. نظریه خطر نسبت به نظریه تقصیر خسارت‌ها را به نحو کامل‌تری جبران می‌کند. نظریه خطر دو صورت دارد: الف) نظریه خطر مطلق: یعنی هرکسی باعث خسارت دیگران شود باید جبران کند. ب) نظریه خطر در برابر نفع: یعنی شخصی که باعث خسارت دیگران شود در صورتی باید جبران خسارت کند که در ازای این خسارتی که به دیگران وارد کرده است، نفعی متوجه خودش شده باشد. ۳- نظریه مختلط: این نظریه ترکیبی از نظریه‌های تقصیر و ایجاد خطر است. در نظریه مختلط، اصل بر نظریه تقصیر می‌باشد، اما در مواردی به‌طور استثنایی نظریه ایجاد خطر پذیرفته شده است. ۴- نظریه تضمین حق: بر اساس این نظریه، برای ایجاد مسئولیت جبران خسارت نیاز به تقصیر است و نه نیاز به آن است که شخص فضای خطرناکی را ایجاد کرده باشد، بلکه به صرف اینکه خسارتی وارد شود، عامل زیان باید آن را جبران کند، چه خسارت به‌طور مستقیم به شخص منتسب باشد چه نباشد و همین الزام به جبران زیان مسئولیت مدنی نامیده می‌شود. تأثیر تقصیر در مسئولیت مدنی در چهار حالت بررسی می‌شود: ۱- مسئولیت مبتنی بر تقصیر: در این مسئولیت بار اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده می‌باشد که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر شده است. ۲- مسئولیت مبتنی بر اماره تقصیر: در برخی موارد، تقصیر شخص در قانون مفروض دانسته شده است؛ بنابراین شخص مزبور مسئول جبران خسارت است مگر آنکه ثابت کند تقصیری نداشته باشد. ۳- مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر: یعنی در این حالت شخص زیان‌رسان مسئول جبران خسارت می‌باشد مگر آنکه ثابت کند خسارت ناشی از قوه قاهره می‌باشد. ۴- مسئولیت مطلق: در این حالت شخص زیان‌رسان مطلقاً مسئول است حتی اگر خسارت ناشی از قوه قاهره باشد (توکلی، ۱۴۰۰، صص. ۵۰۰-۵۰۳).

به نظر می‌رسد برای فرد آزارگر که موجب آزار یا سوءاستفاده از اطفال و نوجوانان شده، مسئولیت مبتنی بر اماره تقصیر خواهد داشت و به منظور حمایت از زیان‌دیده و به استناد قاعده لاضرر باید از کودک حمایت شود و فرض تقصیر برای فاعل زیان متصور خواهد بود مگر بی‌تقصیری خود را اثبات نماید (مانند ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی که در مورد مسئولیت کارفرما در برابر خسارت‌های ناشی از اعمال کارگر مقرر شده) و نیاز به اثبات تقصیر فرد آزارگر نمی‌باشد و نباید بر مبنای ماده یک قانون مسئولیت مدنی مسئولیت فرد آزارگر را مبنی بر تقصیر دانست. در نتیجه طفل و نوجوان زیان‌دیده حق مطالبه خسارت وارده به خود از جمله ضرر معنوی را دارد و بهتر است که جبران ضرر معنوی از طریق شیوه درج در روزنامه باشد چون این موضوع می‌تواند جنبه پیشگیرانه داشته باشد. با توجه به اینکه اقدام‌های والدین به دلیل نزدیکی به فرزندان و نقش تربیتی و نظارتی‌شان در صورتی که طفل و نوجوان مورد آزار جنسی در فضای مجازی قرار گیرد، اگر مسئولیت مبتنی بر اماره تقصیر برای آن‌ها قائل شویم، بهتر است تا مسئولیت مبتنی تقصیر داشته باشند؛ زیرا اگر والدین بر فرزندان نظارت کافی داشته و آموزش‌های لازم را به آن‌ها داده باشند نوبت به بزه کودک‌آزاری در بسیاری مواقع نمی‌افتاد؛ لذا مصلحت طفل و نوجوان ایجاب می‌کند برای توجه بیشتر والدین به فرزندان در برخی مصادیق مانند کودک‌آزاری جنسی در فضای مجازی برای والدین نیز مسئولیت مبتنی بر اماره تقصیر قائل شویم.

۳- اقدام‌های پیشگیرانه و حمایتی

در راستای اقدام‌هایی مانند پیشگیری، شناسایی، حمایت، سازماندهی و پیگیری وضعیت اطفال و نوجوانان در معرض خطر، بزه‌دیده یا بزه‌کار ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان برای برخی دستگاه‌ها و نهادها از جمله سازمان بهزیستی، صداوسیما، سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی، وزارت کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت و وزارت آموزش و پرورش وظایفی مقرر کرده است. آیین‌نامه اجرایی ماده مذکور نیز به منظور اهداف ذکر شده وضع و اجرا شده است.

به‌نظر می‌رسد وضع ماده ۶ و آیین‌نامه اجرایی قانون‌گذار در تحقق حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان و همچنین پیشگیری از بزه‌دیدگی، بزهکاری اطفال و نوجوانان نقش به‌سزایی دارد. برای تحقق بهتر این اهداف راهکارهایی که می‌تواند سبب پیشگیری یا حمایت از کودک‌آزاری برخط به‌ویژه آزار و سوءاستفاده جنسی گردد و در کنار اقدام‌های مقرر قانونی مؤثر باشد، بیان خواهد شد:

۱- مطابق ماده ۳ آیین‌نامه مذکور، «سازمان بهزیستی مسئولیت اصلی حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده را بر عهده دارد و مکلف است با مشارکت تمام دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ به‌ویژه دستگاه‌های مقرر در ماده ۶ قانون و همچنین سایر نهادهای حمایتی و با استفاده از مددکاران اجتماعی و در قالب گروه‌های تخصصی سیار و مستقر فوریت‌های خدمات اجتماعی نسبت به شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توانمندسازی اطفال و نوجوانان اقدام کند». در این مورد به‌نظر می‌رسد برای اینکه سازمان بهزیستی بتواند هدفمند این وظیفه را دنبال نماید و نتایج مثبتی رقم بخورد، بهتر است با توجه به اینکه ممکن است تعداد مددکاران و متخصصان مذکور در قانون نسبت به پیگیری‌هایی که باید به شکل دقیق و مستمر، وضعیت یک طفل یا نوجوان را برای رسیدن به نتیجه مطلوب انجام دهد، کافی نباشد و متخصصان بهزیستی موردهایی را که نیاز به مشاوره و حمایت مستمر دارند نتوانند به‌طور ویژه حمایت کنند و صرفاً اقدام‌های مشاوره‌ای ابتدایی ارائه دهند که ثمربخش نباشد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد سازمان بهزیستی از دانشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی بهتر است کمک بگیرد و با جذب داوطلبانه دانشجویان مددکار، مشاور و روان‌شناس نخبه و توانمند به‌ویژه دانشجویان مقطع ارشد و دکتری در مراکز بهزیستی به ارائه خدمات تخصصی و مستمر به اطفال و نوجوانان بپردازند. واضح است اگر طفل یا نوجوان در معرض خطر یا بزه‌دیده شناسایی شد با سپردن هر طفل با نوجوان به یک دانشجو متخصص برای ارائه خدمات لازم و تخصصی به‌صورت بلندمدت ضروری خواهد بود و نتیجه بهتری در حمایت و جلوگیری از آسیب اطفال و نوجوانان نشان خواهد داد.

۲- در خصوص کودک‌آزاری در فضای مجازی به نظر می‌رسد که سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش با همکاری دانشجویان مستعد مددکار، مشاور و روان‌شناس به‌ویژه روان‌شناسان متخصص در حوزه کودک و نوجوان و همچنین از طریق متخصصان حوزه فضای مجازی، می‌توانند با برگزاری کارگاه‌های تخصصی به‌صورت مستمر و کاربردی برای والدین و دانش‌آموزان و الزام به حضور آن‌ها در دوره‌ها جهت بالا بردن سطح آگاهی افراد مذکور و آشناسازی با آسیب‌های فضای مجازی تلاش کنند تا حد زیادی از آزار و سوءاستفاده جنسی اطفال و نوجوانان جلوگیری کنند. هرچه تعداد متخصصان بیشتری بتوانند کارگاه‌های کاربردی بیشتر برگزار کنند و امکان برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و والدین را فراهم کنند، نتیجه بهتری در حمایت از اطفال و نوجوانان خواهد داشت.

۳- چون از سنین پایین و قبل از مدرسه نیز امکان استفاده اشتباه و قربانی شدن کودکان در فضای مجازی وجود دارد، بهتر است آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی تدابیری اتخاذ نمایند تا همزمان در سنجشی که دانش‌آموزان قبل از ورود به مدرسه انجام می‌شود بتوانند با برگزاری کارگاه‌های کاربردی و مفید برای والدین و کودکان در خصوص استفاده صحیح و خطرهای پنهان فضای مجازی و هم با اتخاذ تدابیر لازم توسط روان‌شناسان کودک و نوجوان سلامت روان (مورد آزار و سوءاستفاده جنسی واقع نشدن در فضای مجازی و عدم نیاز به روان‌درمانی) نیز بررسی شود.

۴- با تشویق دانش‌آموزان به شرکت در جلسه‌های آموزشی، شناخت فضای مجازی از طریق دادن کارت همیار سلامت روان بعد از اتمام دوره آموزشی، می‌توان در کاهش آمار آزار و سوءاستفاده جنسی اطفال و نوجوانان کمک کرد چون دانش‌آموزان وقتی خود را همیار سلامت روان می‌بینند سعی می‌کنند به اعضای خانواده، فامیل و دوستان نکات آموزشی مرتبط با این موارد را آموزش دهند و سطح آگاهی افراد بیشتری بالا رود.

- ۵- بهتر است شعبی که به جرایم کودک‌آزاری رسیدگی می‌کنند قاضی زن باشد، چون زنان به‌خاطر نقش مادری که دارند می‌توانند ارتباط بهتری با اطفال و نوجوانان برقرار کنند و درک بهتری از آن‌ها خواهند داشت، در نتیجه تصمیم بهتری که با مصلحت اطفال و نوجوانان باشد اتخاذ خواهند کرد. همچنین بهتر است در صورتی که کودک‌آزاری جنسی واقع شده باشد مددکاری هم‌جنس با طفل و جوان انتخاب گردد، ولی به‌نظر می‌رسد قاضی رسیدگی‌کننده در هر صورت اگر زن باشد تصمیم بهتری که متناسب با مصلحت طفل یا نوجوان باشد، خواهد گرفت.
- ۶- حضور ضابطان آموزش‌دیده در مدارس به‌منظور بیان پرونده‌هایی که اطفال و نوجوانانی که مورد آزار و سوءاستفاده جنسی واقع شده‌اند، می‌تواند تصورات دانش‌آموزان را از جرایم واقع شده و آسیب‌های ناشی از آن در عالم واقع برانگیخته و جنبه پیشگیرانه داشته باشد.
- ۷- قسمت امور اجتماعی استانداری‌ها می‌تواند با حمایت و کمک به تأسیس دفاتری مردم‌نهاد که به حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان می‌پردازند از کودک‌آزاری‌هایی که ممکن است در فضای مجازی و واقعی اتفاق افتاد، جلوگیری کند.
- ۸- نظارت و قانونمند کردن فضای مجازی به‌شکلی که مخل حقوق انسان‌ها در استفاده از فناوری و محروم شدن افراد جامعه از فواید فناوری و فضای مجازی نباشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به گسترش فناوری و استفاده از فضای مجازی امکان دارد اطفال و نوجوانان در نتیجه استفاده اشتباه از فضای مجازی مورد آزار و سوءاستفاده جنسی واقع شوند. کودک‌آزاری ممکن است در فضای واقعی یا در فضای مجازی رخ دهد. کودک‌آزاری جنسی یکی از مصادیق کودک‌آزاری برخط است و امروزه پرداختن به این موضوع‌ها ضروری است. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، اقدام‌های قابل‌توجهی در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان آمده است. در ماده ۱۰ قانون مذکور آزار و سوءاستفاده جنسی از اطفال و نوجوانان و در بند ۹ ماده آزار و سوءاستفاده جنسی در فضای مجازی جرم‌انگاری شده است. بندهای ۶ تا ۹ قانون به جرایم رایانه‌ای علیه عفت و اخلاق

عمومی که بزه‌دیده آن اطفال و نوجوانان هستند، اشاره دارد. آزار و سوءاستفاده جنسی ممکن است به صورت لمسی و تماسی یا به صورت غیرلمسی و غیرتماسی باشد. بهتر است با اقدام‌هایی مانند تشدید مجازات مقرر در قانون، الزام صدور حکم به مجازات تکمیلی، محرومیت از برخی حقوق اجتماعی و انتشار حکم محکومیت افراد کودک‌آزار به‌ویژه زمانی که این جرم به صورت آزار و سوءاستفاده جنسی در فضای مجازی واقع شده به پیشگیری از جرم و حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخت و این اقدام‌ها جنبه پیشگیرانه نیز خواهد داشت. همچنین مسئولیت مدنی فرد آزارگر نیز باید مسئولیت مبتنی بر اماره تقصیر در نظر گرفته شود. اگرچه در ماده ۶ قانون سازمان و دستگاه‌های موظف به حمایت از اطفال و نوجوانان شده‌اند، اما شایسته است به منظور حمایت بیشتر و ثمربخش از اطفال و نوجوانان اقدام‌هایی همچون کمک خواستن سازمان بهزیستی از دانشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی برای ارائه خدمات و مشاوره‌های تخصصی، دادن کارت همیار سلامت روان به دانش‌آموزان بعد از اتمام آموزش‌های لازم، بیان پرونده‌های کودک‌آزاری برخط که در عالم واقعی برای اطفال و نوجوانان اتفاق افتاده، نظارت صحیح و قاعده‌مند بر فضای مجازی توسط مسئولان مربوطه و حضور قضات زن در شعب رسیدگی‌کننده جرم کودک‌آزاری صورت گیرد.

منابع

- احمدی‌نژاد، نیما و احمدی موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۹)، *راهکارهای پیشگیرانه از بزه‌دیدگی جنسی اطفال در فضای سایبری*، مجله بین‌المللی پژوهش بین‌الملل، ۵(۵۶)، صص. ۹۷-۱۲۴.
- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران: میزان.
- توکلی، محمدمهدی (۱۴۰۰)، *حقوق مدنی*، تهران: مکتوب آخر.
- توکلی، هادی (۱۴۰۱)، *مجازات کودک‌آزاری در فضای مجازی*، انجمن وکیل تلفنی. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۹/۱۷ از <https://vakiltel.com>.

- جواهری آراسته، محسن و حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۹۹)، حمایت کیفری از کودکان در مقابل سوءاستفاده در فضای مجازی در قوانین ایران انگلیس و اسناد بین‌المللی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۴(۴۴)، صص. ۱۰۷-۱۳۲.
- حیدری برج، محبوبه (۱۳۹۸)، بررسی مسئولیت مدنی ناشی از کودک‌آزاری و سوءرفتارهای عاطفی با کودکان، بجنورد: مؤسسه آموزش عالی اشراق بجنورد.
- خوشایی، کتایون (۱۳۸۲)، گزارش یک مورد سوءاستفاده جنسی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲(۷)، صص. ۱۳۱-۱۳۹.
- سیدی بنایی، سیدباقر و ولی‌نژاد، مجتبی (۱۴۰۰)، نقش دولت در برابر کودک‌آزاری در حقوق موضوعه ایران، ۱۰(۲)، صص. ۱۱۹-۱۵۱.
- شمشیری، تورج (۱۳۹۹)، بررسی حقوقی کودک‌آزاری در حقوق ایران و مستندات بین‌المللی، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۲(۱۵)، صص. ۲۱-۳۰.
- کاویانی‌فر، مرتضی (۱۳۸۹)، راهکارهای پیشگیری از کودک‌آزاری، مجله گزارش، ۱۹(۲۱۸)، صص. ۱۶-۱۷.
- کشت‌پور، مریم (بی‌تا)، کودک‌آزاری آنلاین را بهتر بشناسیم، کلینیک آگاه. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۹/۱۷ از <https://agahclinic.com>.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۶)، کودک‌آزاری، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، ۳، صص. ۷-۲۲.
- مهر، نسرین (۱۳۸۹)، رویکرد جامعه‌شناختی-حقوقی به پدیده کودک‌آزاری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۹(۳۵)، صص. ۲۵۱-۲۷۵.
- میراشرفی، مژگان (۱۳۹۵)، خطر آزار جنسی کودکان در فضای مجازی، انجمن خانواده و اینترنت، بازیابی شده در ۱۴۰۱/۷/۱۹ از <https://familyweb.ir>.